

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی پیش از تاریخ شرق‌باستان مشکلات تفسیر یک اثر

مرتضی حصاری^۱، حسن اکبری^۲

(دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸)

چکیده

در کاوش‌های باستان‌شناسی به داده‌هایی برخورده می‌شود که به صورت کاملاً آگاهانه و با قصد خاصی تغییرشکل داده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، یکی از این موارد پیکرک‌های نمادین هستند. پیکرک‌ها از رایج‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی هستند که وجود شمار فراوان آن‌ها نشان از بهره‌گیری از آن‌ها در تمام جوانب زندگی شامل مسائل اقتصادی، اجتماعی و ادراکات می‌گردد. پیکرک‌سازی جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد و نشان‌دهنده یک فرایند پیچیده اجتماعی بود. این گونه داده‌ها را نماد اسطوره یا قربانی همچنین الهه‌باروری یا ایزدبانو و تمثال‌های مذهبی و تعدادی نیز مجسمه تزیینی و بازیچه نامیده‌اند. تقریباً در تمامی پیکرک‌های مادینه نقطه مشترک برهنه‌گی آن‌هاست و تأکید بر بزرگی سینه و شکم و مهم‌تر از همه تأکید بر باردار بودن و زایمان دارد. پیکرک‌های گلی معمولاً خردشده و دور اندخته شده‌اند و تعداد اندکی از پیکرک‌های مادینه گلی یا سنگی و... هستند که شکسته و دوربین نشده‌اند.

در این تحقیق سعی خواهد شد با استفاده از مدارک باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، کاربری تعدادی از این گونه پیکرک‌ها را تبیین نماییم و معتقد‌دیم که این پیکرک‌ها در نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های متفاوت به دست آمده‌اند و باید معنا و کاربرد آن‌ها را در متن جامعه، باستان‌شناسی، اسطوره و مردم‌شناسی مبدأ آن داده مطالعه نمود و بدون شک این پیکرک‌ها

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، mhessari@yahoo.de

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، hassanakbari181@yahoo.com

نقش بسیار مهمی در آینین جامعه آن روز ایفا می‌نمودند؛ تفسیرهای مختلف نیز شاید بدین دلیل است که کاربری پیکرک‌ها را نیافته و مشکل اساسی در شناسایی کاربری این‌گونه داده‌ها عدم‌شناخت تمامی مسائل عقیدتی است که در فرهنگ مادی و وسائل به جای مانده، نمود نیافته‌اند، همچنین یک تفسیر را نباید به تمامی داده‌های هم‌شکل تعمیم داد، چون کاربری آن‌ها متفاوت است و در انتهای با ارائه نمونه‌های مردم‌شناسی امتداد عقاید پیش از تاریخی را تا عصر حاضر مشاهده نمود.

کلید واژگان: اسطوره، پیش از تاریخ، پیکرک زنانه، پیکرک مردانه، کالانشان.

مقدمه

یکی از مدارک باستان‌شناسی که در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید، پیکرک‌های نمادین هستند که به منظور و اهداف خاصی ساخته و پرداخته شده‌اند. پیکره‌سازی در تمام جوامع و هر جا به دلیل و یا دلایل مشترک رایج بوده است و هنرشناسان و باستان‌شناسان متعددی درباره کاربری این پیکرک‌ها در جوامع مختلف تعبیرات و تفسیرات گوناگونی دارند. نمادسازی، تمثال و سه‌بعدی‌سازی جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد. ساخت پیکرک‌های گلی، نمادهای سنگی و گلی، نقوش بر جسته و پیکرک‌های مادینه از گل، سنگ و استخوان نشان از یک فرایند پیچیده بود. وجود این پیکرک‌ها یکی از مسائل ادراکی چالش‌برانگیز و بحث‌انگیز در حوزه پیش از تاریخ است. فرایندی که در آن انسان ادراکات و عقاید خود را توانست از یک مفهوم مطلق ذهنی را تبدیل به بعد نماید و در حقیقت توانست مسائل مربوط به خود را که تا آن زمان با گفتار انتقال می‌داد، دیداری ارائه دهد و پایه رسانه را پریزی نماید. باید این نکته را یادآور شد که آغاز تغییرات در ذهن انسان در پارینه‌سنگی میانی روی داده است، ولی در پارینه‌سنگی جدید و نوسنگی این موضوع همه‌گیر شده است (جنسن، ۱۳۶۸: ۱۱-۱۵). با ورود انسان به مراحل پیشرفته‌تر مانند نوسنگی و مس‌سنگی، با تغییرات عمدی در امر معیشت و مسائل اجتماعی برخورد می‌نماییم که به احتمال بسیار زیاد بازخوردن‌ها در موضوعات عقیدتی انسان بسیار بوده و باعث تحولات اساسی در زمینه ادراکات شده است. این مقاله کوششی اندک است بر نشان دادن نقطه‌ای از تاریخ ذهن انسان که شاید باعث ایجاد پرسش‌های جدید در این موضوع شود این مورد را نیز باید یادآور شد که پیچیدگی کار در این است که مسائل عقیدتی در فرهنگ مادی و وسائل به جای مانده نمود نیافته‌اند، و درست است که اشیا تعالی‌بخش از گونه موارد آینینی هستند، ولی تفکیک آن‌ها از

وسایل عادی برای باستان‌شناسی پیش از تاریخ بسیار پیچیده است. به احتمال زیاد کاربری اشیا ماورایی و متعالی باید توسط یک فرد متعالی و الوهی انجام گیرد، این حضور انسان متعالی را چگونه باید تبیین نمود؟ مکان این مراسم آیینی کجا بوده است؟ و پرسش‌های دیگر که پاسخ به آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد.

در این نوشتار سعی خواهد شد به پرسش‌های زیر که اهداف بحث نیز هست پاسخ داده شود که علت ساخت این پیکرک‌ها چیست؟ آیا این پیکرک‌ها زیستی هستند و اگر نیستند کاربری آن‌ها چیست؟ مشکل تفسیر و تبیین این پیکرک‌ها چیست؟ و چه کسانی توانایی توضیح در مورد این پیکرک‌ها را دارند؟ در این تحقیق سعی شده با نگاهی نو به نقد برخی از پژوهشگران که بیشتر در عملکرد این‌گونه داده‌ها تمرکز یافته‌اند بپردازیم، در حالی که شاخه‌های میان‌فرهنگی کمتر مورد توجه آنان قرار گرفته است. همچنین سعی خواهد شد که مبنای نظری نتیجه‌گیری بر پیکرک‌ها، بستر و محل هویداشدن این‌داده‌ها قراردهیم و از بعضی مفاهیم انتزاعی همچون مادرخدایی، بازی‌کودکانه و یا نظام مادرسالاری پرهیزکرده و به این نمادها، کارکرد تک و یا چندگانه با درنظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و محل یافت آن‌ها قائل شویم.

پیشینه پژوهش

این بخش از مقاله شامل دو قسمت، بخشی مربوط به مطالعات در ایران و بخشی دیگر مربوط به خارج از ایران است. پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز جالب توجه است و جوانب خاصی را مدنظر قرار داده‌اند، هرچند که کامل نیستند. یکی از آن‌ها پایان‌نامه‌ای است که به ریخت‌شناسی پیکرک‌ها پرداخته است (میری، ۱۳۷۳)، همچنین پایان‌نامه دیگری نیز از لحاظ جایگاه زن به بررسی این آثار پرداخته است (فرشی‌همایون‌روز، ۱۳۸۳). در میان مقالات، مقاله‌ای چاپ شده که از دید پرستش و الهه‌گان به این موضوع پرداخته است (زابلی‌نژاد، ۱۳۸۸). این نظر در مقاله دیگر به نوعی مشاهده می‌گردد (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). در یک پژوهش دیگر این موضوع را با نظر برکت‌دادن به زمین پرداخته‌اند (مرتضوی و سلیمانی، ۱۳۹۰). تحقیقی دیگر درباره پیکرک‌های حاجیلار^۱ نیز که در نوع خود جالب است، منتشر شده است (فیروزمندی و کزازی، ۱۳۸۹). یک کار ترجمه به نسبت کامل هم در گذشته نه چندان دور به چاپ رسیده است (شمانت بشرات، ۱۳۸۰). در سال گذشته نیز مقاله‌ای در مورد پیکرک‌های محوطه‌های هلال حاصل خیزی منتشر شده است که کارکرد اقتصادی و باروری زمین را علت ساخت این پیکرک‌ها عنوان می‌نماید (شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳). در خارج از

ایران نیز مطالبی مربوط به پیکرک‌ها منتشر شده که مهم‌ترین آن‌ها شامل پایان‌نامه‌ای از برومون^۲ درباره پیکرک‌های جارمو بحث نموده است (برومون، ۱۹۵۸). پیتر یوکو^۳ نیز در کتابی در مورد پیکرک‌های انسانی شرق‌باستان پرداخته و آن‌ها را با نمونه‌های دوره پیش از سلسله‌های مصر و نوسنگی کرت مقایسه نموده است (یوکو، ۱۹۶۸). عفر باریوسف^۴ نیز در مورد پیکرک‌های یک محوطه خیامی در دره اردن مقاله‌ای منتشر نموده است (باریوسف، ۱۹۸۰). داگلاس بایلی^۵ نیز نتیجه تحقیقات خود را با عنوان پیکرک‌های نوسنگی منتشر نمود (بایلی، ۲۰۰۵). ریچارد لثر^۶ نیز در کتابی درباره پیکرک‌های روستاشینی اولیه منتشر نمود و پیکرک‌های زنانه را به عنوان نمادی از یک دین ناشناخته پیش از تاریخی معرفی نمود (لثر، ۲۰۱۱). تمام این نظرات جالب و جذاب است، ولی آیا افکار، احساسات و ارزش‌های انسان هوشمند امروزی بعد از گذشت هزاران سال همان است که در گذشته رخ داده است. آیا افکار ما منعکس‌کننده همان احساسات انسان چند هزار ساله پیش است؟ آیا با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و زمانی، نگرانی‌های انسان گذشته، جهان‌بینی انسان گذشته و ایدئولوژی او را می‌توانیم با تعدادی پیکرک شکسته تفسیر نماییم و بدانیم در بسیاری از تفاسیر غیرعلمی، پاسخ‌ها منعکس‌کننده فرهنگ‌های انسانی گذشته نیستند، بلکه تعریفی کوچک از بدیهیات فرهنگی هستند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت گرفته و از نظر روش توصیفی، تطبیقی و تاریخی است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و تمامی آن‌ها از منابع معتبر استخراج شده است. مطالعه نمونه‌های مورد نظر و تطبیق آن‌ها با یکدیگر در یک‌بعد زمانی و مکانی صورت پذیرفته است. اساس تحلیل بیشتر متکی بر اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای است.

کاربری‌های پیکرک

ساخت پیکرک‌های انسانی سنتی طولانی است که در شرق‌باستان از پارینه‌سنگی جدید آغاز و تا عصر حاضر نیز ادامه دارد. کارکردهای گوناگونی نیز برای این اثر عنوان شده است که می‌توان گفت هیچ کدام از آن‌ها قابل ردکردن نیست، هر چند تعدادی از آن‌ها کمتر منطق علمی دارند و بیشتر سمت مکتبی دارند تا یک اصل علمی. تعدادی از این فرضیات و نظریات به شرح زیر است. بعضی این پیکرک‌ها را نشان‌دهنده آبرانسان بودن زن انگاشته‌اند (زابلی نژاد،

۱۳۸۸:۳۴) هرچند نشانه‌هایی از فمینیسم در این عقیده مشاهده می‌گردد. در کتابی دیگر که در آن هم نشانه فمینیسم مشاهده می‌شود عنوان می‌کند «به سخن دیگر مردمان متعلق به آن اعصار مؤمنانه ایمان آوردند که جهان نمودی است از تمامیت و کمال جنسی زن و هرگاه این کمال جنسی با روان زنانه نیرومند در جامعه بیامیزد، سعادت و شادمانی جامعه بر مبنای نزدیکی به طبیعت، قابل وصول می‌شود» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱:۸۰) بعضی عقاید تا به جایی می‌رسند که مدعی می‌شوند این نشستن و تکیه بر زمین نوعی بارورکردن زمین است (گیمبوتاش، ۱۹۷۲:۳۱۹). حتی ویل دورانت معتقد است چون مردان در گذشته از نظر زیبایی‌شناختی صفت فربگی را دلیل مهم زیبایی زن می‌دانستند اقدام به ساخت این آثار نموده‌اند (دورانت، ۱۰۱:۱۳۶۵). بعضی از محققان نیز حتی پیکرک‌های دوکی شکل را نیز جز ایزدبانوان حاصل خیزی معرفی نموده‌اند و تمامی پیکرک‌های ساخته شده در ایران پیش از تاریخ تا دوره ساسانی را بدون در نظر گرفتن بعد زمانی و تغییرات اساسی در بینش انسانی آن‌ها را ایزدبانو می‌نامند (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). پیکرک‌ها را که به الهه‌گان مادر نسبت داده‌اند (البته بی‌ربط هم نیست) را نمی‌توان همه را به الهه‌گان نسبت دهیم و ارائه این نظرات احتیاج به تفسیر و تحلیل تمامی شرایط اجتماعی دوره پیش از تاریخ دارد.

بعضی نظرات نیز حاکی از قربانی نمودن انسان‌ها نیز می‌نمایند هرچند قوی به نظر نمی‌رسند (لژر، ۴۲:۲۰۱۱). به نظر این محقق وجود پیکرک‌های انسان و حیوان در کنار هم در معابد شاید نشان‌گر قربانی شدن هر دو گونه در قربان‌گاه است. همین پژوهش‌گر پیکرک‌های زنانه را به عنوان یک نشانه از دین پیش از تاریخی معرفی می‌نماید (همان، ۲۲). گروهی از محققین کارکرد اصلی آنان را شخصیت دادن به نیروهای مافوق طبیعی می‌دانند که در جامعه اقامت داشتن و از طریق آنان می‌توانستند رحم آن‌ها را خواستار شده و خشم آن‌ها را فرونشانند (بیولیو، ۱۹۹۳:۲۴۱). تعدادی دیگر از انسان‌شناسان نیز بحث مادرتباری را مطرح کرده و این‌گونه داده‌ها را نشانه جامعه مادرسالاری می‌دانند (آزادگان، ۱۳۷۲). این در حالی است که اوایل قرن بیستم این نظریه تقریباً بحث و رد شده و سال‌هاست که به فراموشی سپرده شده است (ریوس، ۱۹۸۸:۶). به نظر برخی کاربری مهم این پیکره‌ها نمایش نقش زن در امر تولد بوده است (گارفینکلی، ۲۰۰۳:۹۶). برخی محققین نیز بر این باور بودند که این گونه پیکرک‌ها اجداد و مردگان جوامع اولیه هستند (ویتل، ۱۹۹۶:۶۶). همین محقق کاربری برخی از پیکرک‌ها را جهت آموزش مسائل جنسی به نوجوانان می‌داند (همان) و نمونه قوم‌شناسی جدید آن را نیز در آفریقا معرفی نموده‌اند (ویت و میدو، ۱۹۸۳:۱۸). برخی نیز کاربری این

پیکرک‌ها را جهت جادوگری و حفاظت اعضا خانواده از بلایا و چشم‌زخم می‌دانند (رولر، ۱۹۹۹: ۳۷). شماندت‌بسرات^۷ نیز در یکی از نظرات خود معتقد بود که از این راه به پرستش اموات خود می‌پردازند (شماندت‌بسرات، ۱۹۹۸: ۱۱۰) و در نظری دیگر بر این باور است که این آثار نشانه اسطوره خلقت با تأکید بر تمایلات جنسی و تولید مثل است (همان، ۱۹۹۷: ۶۰). نظر دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که معتقد است پیکرک زنانه را مردان جهت تحریک زنان ساخته‌اند (نلسون، ۲۰۰۴: ۱۲۹). پیکرک‌هایی در الجبه عراق به دست آمده که با حرارت آفتاب خشک شده‌اند و پژوهش‌گران این آثار را متعلق به کودکان دختر و پسری می‌دانند که به عنوان عروسک از آن‌ها استفاده کرده‌اند، زیرا که استفاده مدام از آنان باعث شکسته‌شدن آن‌ها شده و بعد از شکستن داخل زباله‌دانی یا محل دورریز اندخته‌اند (شماندت‌بسرات، ۱۹۹۷: ۴۸). برخی از محققین نیز معتقد‌اند که پیکرک‌های کوچک و قابل حمل گونه‌ای تعامل میان انسان زمینی و جهان ماورایی ایجاد می‌کند (بایلی، ۲۰۰۵: ۲۰۰)، همچنین محققی کاربری این‌گونه پیکرک را یاوری و خدمت در جهان پس از مرگ می‌داند (میرس، ۱۹۳۰: ۴۵). الیاده^۸ نیز معتقد است که این پیکرک‌ها در نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های متفاوت به دست آمده‌اند و باید معنا و کاربرد آن‌ها را در متن جامعه و باستان‌شناسی مبدأ آن مطالعه نمود، بدون شک نقش بسیار مهمی در آینین جامعه آن روز ایفا می‌کرده است (الیاده، ۱۹۸۶، ۳۷).

کارکرد زایمان

اولین اشاره در مورد آینین زایمان را یوکو عنوان می‌نماید (یوکو، ۱۹۶۸: ۴۱۶). حال با کمی توصیف ظاهری این‌گونه از پیکرک‌ها را در مورد این کارکرد بحث می‌نماییم. پیکرک‌های زنانه معمولاً برخنه به تصویر کشیده شده‌اند. شرمگاه آن‌ها نامعلوم یا کمرنگ مشخص بوده، برجستگی سینه زیاد و کاملاً بزرگ است، بدون سر و در انک مواد با سردوکی یا عادی، ساختار عضلانی نامشخص، چین‌های بزرگ شکم و حجم بزرگ شکم، ران و بازوan مشخصه‌های اصلی این پیکرک‌هاست؛ بیشتر پیکرک‌های زنانه ساکن نشسته‌اند و یا اگر هم ایستاده، بی‌حرکتی در آن نمایان است که از زن باردار جز این نیز انتظاری نیست. معمولاً پیکرک‌ها توپر ساخته شده‌اند، حالت آن‌ها با پاهای تاشده، سینه از حد متوسط بزرگ‌تر و در مسئله زایمان اغراق دارد. البته نشسته به نمایش گذاشتن شاید بدین دلیل بوده که برای سازنده تعادل‌بخشی به پیکرک مهم بوده در حالی که پیکرک‌های ایستاده تعادل کمتری دارند و باید

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... مرتضی حصاری و همکار

پشتیبان داشته باشند هر چند که در اواخر دوره نوسنگی و بالطبع در مسنگی پیکرک‌های نشسته بسیار کم فروغ هستند.

تقریباً بر亨گی در تمامی پیکرک‌های مادینه نقطه مشترک آن‌هاست و تأکید بر بزرگی سینه و شکم و مهم‌تر از همه تأکید بر بارداری‌بودن زن و زایمان دارد و فقط نشان‌دادن زن‌بودن نیست. همان‌طور که از مقایسه تندیس زنان یافت شده به سادگی می‌توان فهمید که بخش‌های مربوط به زایندگی یعنی سینه‌ها، شکم و لگن مرکز توجه بوده و سر و دست جنبه فرعی داشته و خلاصه شده است. تحلیل این‌گونه پیکرک‌ها نشان می‌دهد که در ساخت آن‌ها هیچ هدفی از نمایش فرد خاصی نبوده و ملاک فقط تفاوت سنی برای پیکرک‌ها قائل شد که کدام نشان‌دهنده انسان نمی‌توان یا به سختی می‌توان تفاوت سنی برای پیکرک‌ها کدام نشان‌دهنده انسان پیر یا جوان است. پیکرک‌های گلی زنانه عموماً خرد شده و دورانداخته شده‌اند و تعداد اندکی از پیکرک‌های مادینه گلی یا سنگی و... هستند که شکسته و دورریز نشده‌اند که شاید به این دلیل باشد که هنوز کاربری خود را پیدا نکرده‌اند و شاید کاربری عمومی داشته‌اند. پژوهشی کامل درباره پیکرک‌های زنانه عین الغزال^۹ منتشر شده که نشان می‌دهد نوع کاربری‌های پیکرک‌ها از جنس گل و سنگ تفاوت دارد. در این محوطه پیکرک‌های سنگی قطعاً جنسیت آن‌ها مشخص نیست، بلکه به دلیل چین‌های شکم، حجم بزرگ ران و ساختار عضلانی احتمالاً مؤنث هستند. پیکرک‌های گلی سینه برجسته داشته در حالی که در نمونه سنگی فاقد سینه است، همچنین نمونه‌های گلی در داخل خاکستر و یا فضولات به دست آمده (شماندت‌سرات، ۱۳۸۰: ۴۴)، ولی نمونه سنگی در معبر اصلی روستا یافت شده است. پیکرک‌های سنگی نسبتاً بزرگ و باید به جایی اتکا داشته باشند، ولی انواع گلی کوچک، نشسته و با اتکا هستند. بیشتر پیکرک‌های متلاشی شده به عدم منعدم شده‌اند، ولی پیکرک‌های سنگی سالم مانده‌اند (شماندت‌سرات، ۱۳۸۰: ۴۳). در چاتال‌هویوک اتاقی یافت شده به نام معبد قرمز که تمامی آن با رنگ قرمز رنگ‌آمیزی شده بود. در قسمت بالای دیوار اتاق مجسمه‌ای از الهه مادر کار گذاشته شده که پاهایش را باز نموده و در حال زایمان سه گاو نر است. تصاویر دیگری از زنان در حال زایمان در قسمت‌های پایین دیوار ایجاد شده بود که شاید این اتاق جهت اتاق زایمان مورد استفاده قرار گرفته است (تیت، ۹۳: ۲۰۰۵).

با وضعیت دوره روستائشنی و احتیاج به نیروی کار فراوان در مزارع، خانواری موفق بود که جمعیت کاری آن زیاد باشد و این موضوع را هم باید در نظر داشت که نرخ مرگ و میر نیز در این جوامع به دلیل رواج بیماری‌های واگیردار خطرناک مانند وبا و طاعون و... بسیار بالا بوده

است. در نظر داشته باشیم که بیشتر پیکرک‌های زنانه موضوع زاد و ولد، آبستنی و نگهداری کودک را به نمایش می‌گذارند تا فقط نمایش یک زن. به نظر می‌رسد علت وجودی این پیکرک‌ها زایمان و ازدیاد جمعیت است تا الهه بودن یا برکت دادن به زمین، زیرا که خود جامعه کشاورز احتیاج به نیروی کار دارد تا این‌که با ساخت این آثار به زمین برکت دهد. پیکرک‌های مؤنث به سنت طولانی و در یک گستره مکانی بزرگ تعلق دارد که می‌توان گفت آن‌ها را در تمامی نقاط زندگی انسان مانند معابد، زیارتگاه‌ها تا میان فضولات یافت شده‌اند. آیا وجود پیکرک‌های زنانه در دوره نوسنگی و مس سنگی نشان قدیمی از الهه‌هایی مانند ایشتار، ناهید، آفودیت و غیره است که البته یک نظر بسیار ضعیف به نظر می‌رسد، به دلیل این برهمگی و نشانه‌های زایمان، استعاره‌ای از زایمان هستند تا ایزدبانو و این تداوم بلندمدت باعث تغییراتی در نوع ساخت آن‌ها برای پیشرفت‌های فناوری و تغییرات اجتماعی است. افسانه‌ای از یک موجود خیالی در میان ایرانیان به نام آل است که در باور عامه اگر زن تازه‌زا را تنها بگذارند، سراغش می‌آید و به او آزار یا آسیب می‌رساند. آل یک گونه از موجودات اهریمنی در باور مردمان قفقاز، ایران و آسیای میانه و بخش‌هایی از جنوب روسیه است. در باورهای سنتی نقش آل‌ها در تولید مثل انسان‌هاست، به این دلیل آن‌ها را اهریمن وضع حمل می‌دانند (عناصری، ۱۳۶۱: ۲۲۲). این احتمال وجود دارد که در گذشته برای این‌که موجوداتی مانند آل به زائو صدمه نرسانند یک نظر قربانی مانند این پیکرک‌ها ساخته و آن‌ها را به عدم نابود می‌نموده‌اند و در میان فضولات و یا دورریزهای خود می‌انداختند. البته برای اثبات این فرضیه به مدارک و شواهد محکم و باثبات احتیاج دارد و باید این موضوع را مدنظر داشت که در گذشته نیز برای امور نظر قربانی نیز اعمالی انجام می‌گرفت، برای نمونه در عین الغزال زیر کف ساختمان‌های خود اقدام به دفن پیکرک‌های به شکل مارمولک نموده‌اند که شماند بسرات براساس متون بین‌النهرینی ثابت نموده که کارکرد این‌گونه پیکرک‌ها جادویی بوده و خانه را از چشم‌زنم و نحوست محافظت می‌کرده است (شماند بسرات، ۱۹۹۷: ۵۶).

پیکرک‌های سگ در عین الغزال باعث ازدیاد روزی و سلامت سگ می‌شده است (همان، ۵۵). در بسیاری از این پیکرک‌ها سر به عدم جدا و در جای دیگر انداخته شده است (کویجت، ۱۵۰: ۲۰۰۰). هرچند که آسیب‌رساندن و شکستن پیکرک‌ها در وهله اول احتمال قربانی کردن و یا از بین بردن دشمن را نشان دهد. برخی محققین این پیکرک‌ها را تعویذ و دعا جهت حفظ از بلایا و ازدیاد و تکثیر آن‌ها می‌دانند (الیاده، ۱۳۸۶: ۲۳). البته این امکان وجود دارد که چنین

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی...

کاربری‌هایی در دیگر وسایل نیز باشد و یا این‌که همین شکل پیکرک در نقطه‌ای دیگر کاربری دیگری داشته باشد.

کارکرد پیکرک‌های مردانه

پیکرک‌های مردانه و کاربری آن‌ها تفاوتی با پیکرک‌های زنانه دارند. در تحقیقی جامعی که این اواخر منتشر شده تعداد زیادی از پیکرک‌ها را به مردان نسبت داده و حتی بعضی از پیکرک‌ها را فاقد نشانه‌های جنسیتی معرفی کرده است (لزر، ۲۰۱۱: ۲-۱۶۰). نمونه‌های از هم‌آغوشی پیکرک‌های جفت نیز در آناتولی (ملارت، ۱۹۶۷: ۸۳) و عین صخره اردن (کوک و بويد، ۱۹۹۳: ۳۹۹) یافت شده است. نمونه‌هایی نیز از تپه یحیی (میدوو و لمبرگ کاروفسکی، ۱۹۷۰: ۱۴) و خیامین در لوانت (باریوسف، ۱۹۸۰: ۱۹۳-۱۹۹، شکل‌های ۳-۴۱) در کاوش‌های باستان‌شناسانه یافت گردیده‌اند که از نظر جنسیت مبهم و یا دوجنسه هستند. در بعضی از محوطه‌ها نیز نمونه‌هایی به دست آمده که بدن زنانه دارای جنسیت مردانه است (استکتیس، ۱۹۷۲: ۲۵-۲۷، جدول ۱، pl: ۵۰: ۱. Steketis ۱۹۷۲: ۲۵-۲۷). در موریط نیز ظاهر پیکرک‌های زنانه غیرمعمول است آن‌ها سینه و ناف ندارند (کانتونسون و همکاران، ۱۹۶۶: ۱۷۳-۱۷۰، جدول ۲). در عین‌الغرال در نزدیکی امان پایتخت اردن پیکرک‌های شکسته‌ای هویداشده که دارای دو سر هستند (گریسون، ۲۰۰۰: ۴۳). در اسطوره‌های شرق، زایش و بارداری اولیه از یک خدای ازلی به وجود می‌آید، این خدایان در ایران به نام زروان، در بین‌النهرین نامو، در مصر آتون نامیده می‌شوند. خدای ازلی اسطوره‌های یونان نیز کرونوس است. آیا ممکن است پیکرک‌های دوجنسه و یا دوسره نشانه خدای بزرگ ازلی در اسطوره‌ها باشد که بعد از خلق خدایان دیگر به کنار می‌رود که البته این فرض نیز احتیاج به شواهد قوی دارد. از تپه سیلک در لایه‌های متعلق به نوسنگی جدید یک پیکره استخوانی که متعلق به دسته چاقوی سنگی بوده یافت شده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۸۳). این پیکره کمی با دیگر نمونه‌ها تفاوت دارد مردی دو دست خود را گرفته و سر به پایین دارد، به نظر می‌رسد حالت احترام رسمی را ادا می‌نماید، دامن بر تن و کلاهی برسردارد. احتمالاً این پیکره صرف تزیین تراشیده شده است.

کاربری تجاری و شمارشی

در برخی از محوطه‌هایی که متعلق به دوره‌های آغاز شهرنشینی هستند و به تازگی حفاری شده‌اند، پیکرک‌هایی یافت شده‌اند که در مکان‌های خاص هستند، برای نمونه در محوطه سفالین

در پیشوا مکانی که به احتمال زیاد مرکز تجاری بوده تعداد زیادی پیکرک حیوانی متعلق به گوسفند و بز به دست آمده که با گل‌نوشته‌های همزمان خود کاملاً همراهی می‌نمایند، زیراکه متن گل‌نوشته‌ها مربوط به حیوانات مانند گوسفند و بز و فرآورده‌های آن است (حصاری، ۲۰۱۱) و پیکرک‌ها نیز احتمالاً گونه‌ای کالانشان هستند که برای شمارش کالای تجاری به کار می‌روند. این پژوهش به تازگی انجام پذیرفته و احتمال دارد در دیگر محظوظه‌ها نیز این موضوع صدق نماید. باتوجه به این موضوع که شهرهای اولیه مرکز تهیه و توزیع یک کالا و فرآورده‌های آن هستند و این موضوع که برده‌داری یکی از تجارت‌های گذشته است (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۲)، شاید بعضی از پیکرهای نشان‌دهنده تعداد انسان‌های آماده‌فروش و یا فروخته‌شده باشند، هر چند این موضوع نیز به پژوهشی گستردۀ احتیاج دارد.

چگونه باید نتیجه گرفت

شایان توجه است که داده‌های باستان‌شناسانه ناقص بوده و تفسیر آن‌ها مخصوصاً اگر به صورت منفرد انجام گیرد بسیار مشکل است و با مجموعه‌ای از شواهد قوی می‌توان نظر یا فرضیه‌ای را اعلام نمود و رسیدن به یک نتیجه باستان‌شناسانه معقول و منطقی به استنتاج‌های دقیق و بسط و گسترش آن به دیگر داده‌هایی احتیاج دارد که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید. هر چه این داده‌ها کهن‌تر بوده، تفسیر آن‌ها پیچیده‌تر و باید با دقت بیشتری انجام پذیرد مخصوصاً داده‌هایی که متعلق به عقاید و ادراکات مردمان یک دوره هستند. با نگاهی به پراکندگی این پیکرک‌ها متوجه می‌شویم که هماندازه توزیع و پراکندگی انسان‌ها در دوران خود هستند و شایسته است پیش از بحث درباره کاربری‌ها به این پرسش پاسخ داد که بعد از گذشت هزاران سال احساسات و تفکرات انسان‌ها همان تفکرات گذشته است. درست است که از لحظه گونه در یک رده قرار داریم، ولی گستره جغرافیایی، تفاوت‌های زمانی، تنوعات فرهنگی و اعتقادی احتمالاً از لحظه تفکر بسیار جدا نموده است و مشخص نیست که نگرانی‌ها و پرسش‌های جهان پیرامون خود همانی است که در حال حاضر مطرح است. البته حذف بعضی تقصیبات واهی و باورهای ذهنی احتمالاً ما را در دستیابی به پاسخ‌های مناسب و طرح پرسش‌های هدف‌دار جدید کمک خواهد کرد. در این میان تفسیرهای باستان‌شناسانه فقط گوشهای از بدیهیات را روشن می‌نمایند. برای نظریه‌پردازی در این موضوع باید از قوم‌باستان‌شناسی و قوم‌نگاری نیز جهت کمک به تفسیر داده‌ها کمک گرفت.

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... مرتضی حصاری و همکار

به هر حال سه اصل کلی تداوم ساخت طولانی‌مدت، استعاری بودن این پیکرک‌ها و نداشتن شاخصه‌های واقعی و احتمالاً تغییرات در تصویرسازی که منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی و فناوری است در این پیکرک‌ها وجود دارد.

این‌ها ممکن است نماد اسطورها یا قریانی برای رفع بلا همراه با جشن و یا مراسم عزاداری بوده است. تعدادی از محققان این‌گونه نمادها را نشان الهه مادر و باروری می‌دانند که دلایل قاطعی برای آن ندارند، یا آن‌که الهه و ایزدبانو هستند که بازهم دلایل آن‌ها ناقص است. پژوهشگران دیگر عقایدی دارند این‌که عروسک، زنانباردار، مجسمه‌های تزیینی و... هستند. علت شکستگی تعداد زیادی از آن‌ها نیز نامشخص است که عمدی یا سهوی است. اگر به عمد بوده آیا در مراسم خاص و یا برای فرد خاصی این شکست انجام‌گرفته و یا دشمنان برای از بین بردن تمثال‌های مذهبی و ویران‌نمودن نمادهای مذهبی اقدام به این عمل نموده‌اند. باید در نظر داشت که جنبه ادراکی و مفهومی جامعه پیش از تاریخ بسیار ثقلی و سنگین و دریافت این مفهومات به‌آسانی میسر نمی‌شود، زیرا که عقاید مانند داده‌های ناقص بر جا نمانده‌اند و محو شده‌اند و ما نمود آن‌ها را فقط از همین داده‌های ناقص درک می‌نماییم. آیا این تداوم را می‌توان از پارینه‌سنگی تا عصر حاضر یکسان بدانیم؟ ادوار گوناگون و در مناطق مختلف با فرهنگ‌های متمایز خاص هر منطقه، آیا می‌توان آن‌ها را با یک دید مورد بررسی قرار داد. باید این موضوع را مدنظر داشت که ساخت پیکرک ممکن است در هر منطقه‌ای با یک بینش خاص به خود صورت گیرد و به دلیل همین موضوع حتماً در معنا تنوع داشته و مقایسه نتایج مخصوصاً در گستره مکانی و زمانی زیاد منجر به اشتباه در نتیجه‌گیری می‌گردد. برای این پیکرک‌ها تفسیر واحدی وجود ندارد. اطلاعات باستان‌شناسی و قوم‌نگاری توابع مختلفی و گوناگونی برای پیکرک‌ها عنوان می‌نماید. قطعاً بستر و محل یافت پیکرک‌ها در عملکرد آن‌ها تأثیر دارد و باید بستر داده به دست آمده مورد مطالعه قرار گرفته که چه کاربردی توسط چه گروه‌هایی داشته است؟

پی‌نوشت‌ها

- ^۱. Hacilar.
- ^۲. Broman.
- ^۳. Pete J. Ucko.
- ^۴. Ofer Bar-Yosef.
- ^۵. Douglass W. Bailey.

^۱ Richard G. Lesure.

^۲ Denis Schamndet-Besserat.

^۳ Mircea Eliade.

^۴ Ain alghazal.

منابع

- آزادگان، جمشید (۱۳۷۲). ادیان ابتدائی، تهران: میراث ملل.
- اکبری، حسن (۱۳۷۸). بردهداری در هزاره سوم و دوم ق.م در بین‌النهرین، نشریه باستان‌پژوهی، ش ۵ و ۶، صص ۱۲-۱۳.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۶). چشم‌ندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر توس.
- جنسن، ه. و (۱۳۳۸). تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن جلد اول: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زابلی‌نژاد، هدی (۱۳۸۸). پیکرک‌های الله‌ما در سیمای زن در آثار پیش از تاریخ ایران، کتاب ماه هنر، ش ۱۳۱، صص ۳۴-۴۲.
- شمات-بشرط، دنیس (۱۳۸۰). استعاره‌ای سنگی از آفرینش، ترجمه سید رسول بروجنی، نشریه باستان‌پژوهی، ش ۸، صص ۴۲-۴۹.
- شیرازی، روح‌الله؛ ظاهري، صدرالدین و زهره سلطان‌مرادي (۱۳۹۳). بررسی و تطبیق نخستین پیکرک‌های انسانی در داسه بارور، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۳، ش ۸، صص ۶۵-۷۹.
- طاهری صدرالدین و محمود طاووسی (۱۳۸۹). تندیس‌های ایزدان‌وان باروری ایران، مجله مطالعات زنان، سال ۸ ش ۲، صص ۴۳-۷۳.
- عناصری، جابر (۱۳۶۱). ایران مظہر فروغ‌های بی‌پایان، ماهنامه چیستا، ش ۱۲، صص ۲۳۰-۲۱۷.
- فرشی‌همایون‌روز، پریچهر (۱۳۸۳). بررسی و مطالعه تحلیلی پیکرک‌های زنان در فلات مرکزی ایران در عهله‌نوسنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فیروزمندی، بهمن و سیده ماندانا کرازی (۱۳۸۹). جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ: مطالعه موردي پیکرک‌های محوطه حاجیلار، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صص ۸۹-۱۱۱.

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... مرتضی حصاری و همکار

- گیرشمن، رمن (۱۳۷۹). سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لاهیجی، شهلا و مهرانگیز کار (۱۳۷۱). هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ، تهران: روشنگران.
- مرتضوی، مهدی و ساره سلیمانی (۱۳۹۰). پژوهشی بر ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مؤنث عصر نوسنگی (مطالعه موردی: غرب ایران، مجله مطالعات ایرانی، سال دهم، ش ۲۰، صص ۲۶۹-۲۹۸).
- میری، سیما (۱۳۷۳). پیکرک‌های عصر نوسنگی در منطقه غرب و فلات مرکزی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- Bar-Yousef, O. (1980). "A Human Figurine from a Khiamian site in the Lower Jordan Valley", *Paléorient*, Vol. 6, pp. 193-199.
- Beaulieu, P. A. (1993). "An Episode in the fall of Babylon to the Persians", *the Near Eastern studies*, Vol. 52(4), pp. 241-261
- Boyd, B & Cook, J. (1993). "A Reconsideration of the Ain Sakhri figurine", *Proceedings of the prehistoric Society*, Vol. 59, pp. 399-405.
- Broman, V.L. (1958). *Jarmo Figurines*. M.A Thesis: Radcliffe College.
- Contensen, H.de & Liere, W. J. van. (1966). "Second Campagne a Tell Ramad, Rapport Préliminaire". in *L Anthropologie*, Vol 70 (5*6). pp 437-483
- Eliade, M. (1986). "the Encyclopedia of Religion. Paleolithic Religion", Vol 6, New York.
- Garfinkel, Y. (2003). "Dancing at the Dawn of Agriculture", Austin: University of Texas Press.
- Gimbutas, Marija (1972). "Pre Hellenic and pre Indo-European Goddesses and God: The Old European Pantheon", in *Acta of the second International Colloquium on Aegean Prehistory: The First Arrival of Indo-European Elements in Greece*, pp: 82-98.
- Grissom C. A. (2000). Neolithic statues from "Ain Ghazal: construction and form", *Archaeology*, Vol. 104, pp: 25-45.
- Hessari, M. (2011). "New Evidence of the Emergence of Complex Societies on the Central Iranian Plateau", *Archaeological Studies 1:2* University of Sistan & Blouchestan, Zahedan, pp.35-48.
- Kuijt, L. (2000). Life in Neolithic Farming Communities Social Organization, *Identify & Differentiation*. Springer.
- Lamberg-Karlovsky, C.C & Meadow, R. (1970). "A Unique Female Figurine", *Archaeology*, Vol. 23(1), pp. 13-17.

- Lesure, G. Richard. (2011). *Interpreting Ancient Figurines, Context, Comparison & Prehistory Art*, Cambridge University Press.
- Mellaart, J. (1967). *Catal Hoyuk, a Neolithic Town in Anatolia*, New York: Mc Graw Hill.
- Myres, J. L. (1930). *Who Were the Greeks?*, California: University of California Press.
- Reeves Sanday, P. (1988). "Matriarchy as a Sociocultural from. An Old Debate in a new Light", *16th Congress of The Indi-Pacific, Prehistory Association*.
- Nelson, S. (2004). *The Archaeology of North East China: Beyond the Great Wall*, London. Routledge.
- Roller, L. (1999). *In the Search of God the Mother*. University of California.
- Schmandet –Besserat D. (1997). "Animal Symbols at Ain Ghazal", *Expedition* 39.1, pp 48-60.
- Schmandet –Besserat. D (1998). "Ain Ghazal Monumental Figures", *Basor* 310, 1-16.
- Stekelis, M. (1972). *The Yarmukian Culture of the Neolithic Period*, Jerusalem: Magna Press.
- Tate, K. (2005). *Sacred Places of Goddess: 108 Destination*, CA, USA: Consortium of Collective Consciousness.
- Ucko, p. j. (1968). "Anthropomorphic Figurines of Predynastic Egypt and Neolithic Crete. with Comparative Material from the Prehistoric Near East and Mainland Greece", London: Andrew Szmidla.
- Voight, M. & Meadow, R. (1983). *Haji Firuz Tepe: Iran the Neolithic Settlement*, Philadelphia: University.Museum, Univ.
- Whittle, A. (1996). *Europe in the Neolithic: The Creation of New Worlds*. Cambridge: New York, Cambridge University Press.